

ماهنامه CyclicalWaves

در این شماره می‌خوانیم

رونق سینمای وحشت در دهه ۱۹۷۰

آشنایی با کاربردهای کانال رگرسیون

انتظار منطقی از خودت داشته باش!

تفاوت GDP و PPP

و ...



ماهنامه فارکس Cyclicalwaves

در دنیای مالی و اقتصادی امروز، تحلیل و پیش‌بینی روندهای بازار به یکی از چالش‌های اساسی برای سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران تبدیل شده است. بازارهای مالی به‌ویژه بازار فارکس، با نوسانات شدید و غیرقابل پیش‌بینی خود، نیازمند رویکردهای تحلیلی عمیق و دقیق هستند. در این راستا، ماهنامه فارکسی Cyclicalwaves به‌عنوان یک منبع معتبر و تخصصی، تلاش دارد تا با ارائه تحلیل‌های جامع و مبتنی بر داده‌های واقعی، به خوانندگان خود در درک بهتر و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر کمک کند.

Cyclicalwaves به بررسی الگوهای چرخه‌ای در بازار فارکس می‌پردازد. این الگوها نه تنها به شناسایی روندهای گذشته کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به پیش‌بینی حرکات آینده نیز بپردازند. در این ماهنامه، ما به بررسی اصول تحلیل تکنیکال و بنیادی، روانشناسی بازار، و تأثیرات اقتصادی بر نوسانات ارزها خواهیم پرداخت. هدف ما این است که با ارائه مطالب علمی و عملی، درک عمیق‌تری از بازار فارکس برای خوانندگان فراهم کنیم.



فهرست

۱۶	مقایسه بر اساس PPP:
۱۷	کدام معیار برای مقایسه بهتر است؟
۱۸	انتظار زیادی از بازار نداشته باش، از خودت انتظار منطقی داشته باش!
۲۱	بخش تحلیلی
۲۴	WHEAT_D XAGUSD_D PM_W EURUSD_D

۴	رونق سینمای وحشت در دهه ۱۹۷۰: پاسخی به آشفته‌گی اقتصادی
۶	آشنایی با کاربردهای کانال رگرسیون
۸	همسو شدن داوجونز با شاخص دلار و دلایل آن



افزایش تولید نفت برای خوش آمدگویی به ترامپ!

تصمیم اوپک+ در بحبوحه پویایی پیچیده بازار اتخاذ می‌شود. علیرغم کاهش قیمت‌ها و پیش‌بینی تقاضای ضعیف‌تر جهانی، این گروه برای توجیه این افزایش به "اصول بازار سالم" اشاره کرد. با این حال، تحلیلگران می‌گویند که این حرکت کمتر به خوش‌بینی بازار مربوط می‌شود و بیشتر در مورد سیاست داخلی و سیگنال‌های ژئوپلیتیکی است.

تفاوت GDP و PPP

تولید ناخالص داخلی (GDP):

ارزش کل کالاها و خدمات تولیدشده در یک کشور طی یک دوره زمانی مشخص را اندازه‌گیری می‌کند. و...

برابری قدرت خرید (PPP):

ارزش تولیدات و خدمات یک کشور را با در نظر گرفتن قدرت خرید پول در آن کشور محاسبه می‌کند. و...



چرا PPP مهم است؟

استفاده از GDP

جمع‌بندی: کدام بهتر است؟



خرسندیم که توانستیم با همراهی و حمایت شما عزیزان، شماره چهارم نشریه را منتشر کنیم. حضور و استقبال شما در مسیر رشد و پیشرفت ما انگیزه‌ای ارزشمند است که تلاش کنیم بهترین محتوا را ارائه دهیم. این شماره با دقت و تلاش فراوان تیم تولید محتوا آماده شده تا بتواند نیازها و انتظارات شما را به بهترین شکل پاسخ دهد

برای دریافت نسخه چاپی این شماره، می‌توانید QR کد زیر را اسکن کنید و سفارش خود را ثبت نمایید. نسخه چاپی بولتن با پسته‌بندی مناسب از طریق پست در کوتاه‌ترین زمان ممکن به دست شما خواهد رسید. از اینکه با ما همراه هستید و به رشد و توسعه این مجموعه کمک می‌کنید، صمیمانه سپاسگزاریم



امیدواریم این شماره نیز رضایت شما را جلب کرده و گاهی مؤثر در ارائه تحلیل‌ها و اطلاعات کاربردی برداشته باشیم. همراهی شما، بزرگ‌ترین سرمایه ماست



به قلم: علی شریف آزاد

رونق سینمای وحشت در دهه ۱۹۷۰: پاسخی به آشفتگی اقتصادی

دهه ۱۹۷۰ دهه‌ای آشفته بود که با عدم قطعیت اقتصادی و افزایش فیلم‌های ترسناکی که مخاطبان را مجذوب خود می‌کردند، مشخص می‌شد. تورم بالا و رکود تورمی این دوره، همراه با ناآرامی‌های اجتماعی، طوفانی تمام‌عیار ایجاد کرد که در آن وحشت به عنوان نوعی فرار از واقعیت رونق گرفت. این مقاله بررسی می‌کند که چگونه چالش‌های اقتصادی، رونق فیلم‌های ترسناک را دامن زد، زیرا مردم به دنبال هیجان و تخلیه هیجانی در سینماها بودند



دهه ۱۹۷۰ شاهد مشکلات اقتصادی بی‌سابقه‌ای بود که به تورم بزرگ معروف شد. تورم در سال ۱۹۷۴ به ۱۱٪ افزایش یافت و تا سال ۱۹۸۰ به ۱۳.۵٪ رسید که ناشی از هزینه‌های جنگ ویتنام، برنامه‌های اجتماعی گسترده و سیاست‌های پولی با اولویت بیکاری پایین بود. بیکاری در سال ۱۹۷۴ به ۷٪ و تا سال ۱۹۷۵ به ۹٪ رسید که با رکودها و بحران‌های انرژی، مانند تحریم نفتی ۱۹۷۳ که منجر به افزایش قیمت نفت به ۱۵۰ دلار در هر بشکه (۲۰۲۴ دلار) تا سال ۱۹۸۰ شد، تشدید شد. این شرایط باعث سرخوردگی شد و مخاطبان را به سمت سرگرمی برای تسکین سوق داد



چرا ژانر وحشت رونق گرفت؟

اولاً، زمینه فرار از واقعیت را فراهم کرد. در دوران سختی‌های اقتصادی، مردم برای فرار از ترس‌های زندگی واقعی به دنبال سرگرمی هستند، روندی که در رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ با فیلم‌هایی مانند دراکولا دیده شد. تجربه عاطفی شدید ژانر وحشت به مخاطبان اجازه می‌داد تا اضطراب را با خیال راحت پردازش کنند. ثانیاً، ژانر وحشت دهه ۱۹۷۰ منعکس‌کننده مسائل فرهنگی، از بدبینی پس از واترگیت گرفته تا تحولات اجتماعی بود و آن را قابل درک می‌کرد. در نهایت، هزینه‌های پایین تولید ژانر وحشت، آن را به گزینه‌ای مطمئن برای استودیوها تبدیل کرد و بازده بالایی را به همراه داشت، همانطور که در سود هنگفت فیلم جن‌گیر مشاهده شد

داده‌ها از این رونق پشتیبانی می‌کنند: درآمد ناخالص تعدیل‌شده با تورم فیلم‌های ترسناک دهه ۱۹۷۰ در میان بالاترین‌های سینما قرار دارد و تولیدات این ژانر با مشارکت کارگردانانی مانند جان کارپنتر و وس کریون افزایش یافت. تماشاگرانی که نمی‌توانستند در زندگی روزمره شادی پیدا کنند، برای هیجان به سینماها هجوم آوردند.

موج فیلم‌های ترسناک دهه ۱۹۷۰ فقط یک روند سینمایی نبود - بلکه یک واکنش اجتماعی به جهانی در بحران بود و ثابت کرد که در مواقع عدم قطعیت، ترس روی پرده سینما می‌تواند راه فراری قدرتمند باشد

فیلم‌های ترسناک به یک پدیده فرهنگی تبدیل شدند و فضایی کنترل‌شده برای مقابله با ترس‌ها ارائه دادند. فیلم‌های پرفروشی مانند جن‌گیر (۱۹۷۳)، آرواره‌ها (۱۹۷۵) و بیگانه (۱۹۷۹) بر گیشه‌ها تسلط یافتند.

جن‌گیر در سراسر جهان ۴۴۱ میلیون دلار فروش داشت که معادل ۲.۸ میلیارد دلار امروز است، در حالی که آرواره‌ها ۲۶۰ میلیون دلار (۲.۶ میلیارد دلار تعدیل‌شده) فروش داشتند. فیلم بیگانه ۷۴۴ میلیون دلار به این رقم اضافه کرد که قدرت تجاری ژانر وحشت را اثبات می‌کند. این فیلم‌ها، در کنار آثار کلاسیک کم‌بودجه‌ای مانند هالووین (۱۹۷۸)، به اضطراب‌های اجتماعی - بی‌اعتمادی به نهاده‌ها، ترس از ناشناخته‌ها و آسیب‌پذیری - دامن زدند و عمیقاً در مخاطبان طنین‌انداز شدند

آشنایی با کاربردهای کانال رگرسیون

کانال رگرسیون یک ابزار تحلیل تکنیکال است که مدل‌سازی آماری را با حرکات قیمت ترکیب می‌کند تا به معامله‌گران در شناسایی روندها، مناطق بالقوه برگشت قیمت و سطوح حمایت و مقاومت پویا کمک کند. این کانال شامل یک خط رگرسیون خطی مرکزی - که "بهترین تطابق" را از طریق داده‌های قیمت تاریخی نشان می‌دهد - است که توسط خطوط موازی در تعداد مشخصی از انحراف معیار بالا و پایین قرار گرفته است. این ساختار به معامله‌گران

اجازه می‌دهد تا محدوده معمول حرکات قیمت را تجسم کرده و نقاط عطف بالقوه را پیش‌بینی کنند

کاربردهای عملی در معاملات

۱. **شناسایی روند:** شیب خط رگرسیون، روند غالب بازار را نشان می‌دهد. شیب رو به بالا نشان‌دهنده روند صعودی و شیب رو به پایین نشان‌دهنده روند نزولی است. این به معامله‌گران کمک می‌کند تا استراتژی‌های خود را با جهت بازار هماهنگ کنند. با این حال توجه داشت که شیب خیلی زیاد این کانالها (بالتر از ۴۵درجه) نشانگر وجود یک روند قوی اما ناپایدار است که احتمال وقوع یک اصلاح عمیق را تقویت می‌کند

۲. **سطوح حمایت و مقاومت:** خطوط کانال بالایی و پایینی به ترتیب به عنوان سطوح مقاومت و حمایت پویا عمل می‌کنند. قیمت‌هایی که به این مرزها نزدیک می‌شوند، ممکن است نقاط بالقوه برگشتی بازار یا فرصت‌های شکست را نشان دهند

۳. **نقاط ورود و خروج:** معامله‌گران اغلب به دنبال ورود به موقعیت‌های خرید (long) در نزدیکی خط کانال پایینی هستند و خروج یا فروش (short) در نزدیکی خط کانال بالایی را در نظر می‌گیرند و از تمایل قیمت‌ها به بازگشت به میانگین سود می‌برند

۴. **سیگنال‌های شکست:** حرکت قیمت به فراتر از مرزهای کانال می‌تواند نشان‌دهنده یک شکست قوی باشد که بسته به شرایط، نشان‌دهنده ادامه‌ی احتمالی روند یا بازگشت روند است

۵. **پایان حرکات اصلاحی:** وقتی که نتوانیم یک کانال کلاسیک را روی یک حرکت اصلاحی ترسیم کنیم، میتوانیم از کانال رگرسیون برای این منظور بهره بگیریم. شکسته شدن این کنال در چنین شرایطی با دقت خوبی پایان حرکات اصلاحی را نشان می‌دهد (به مثال توجه کنید)

محدودیت‌ها و ملاحظات

اگرچه کانال‌های رگرسیون ارزشمند هستند، اما محدودیت‌هایی نیز دارند. اثربخشی آنها به بازه زمانی انتخاب شده و نقطه شروع بستگی دارد که می‌تواند باعث ایجاد ذهنیت شود. علاوه بر این، در

مثال:



به طور خلاصه، کانال‌های رگرسیون یک رویکرد ساختار یافته برای تحلیل حرکات قیمت ارائه می‌دهند و با برجسته کردن روندها و مناطق بالقوه برگشت قیمت، به معامله‌گران در تصمیم‌گیری‌های آگاهانه کمک می‌کنند. با این حال، آنها باید در یک استراتژی معاملاتی جامع که شامل ابزارهای تحلیلی متعدد و شیوه‌های مدیریت ریسک است، ادغام شوند

همسو شدن داوجونز با شاخص دلار و دلایل آن

از نظر تاریخی، سهام و دلار اغلب در جهت مخالف حرکت می کنند - سهام در یک محیط "ریسک" افزایش می یابد که می تواند بر دلار امن تأثیر بگذارد - اما در طول ۴ ماه گذشته هر دو معیار تقریباً در گام قفل افزایش و کاهش یافته اند. از زمان دومین مراسم تحلیف دونالد ترامپ در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ (که با خط عمودی آبی مشخص شده است)، میانگین صنعتی داوجونز (DJIA - نیمه بالایی چارت) و شاخص دلار آمریکا (DXY - نیمه پایینی چارت) همبستگی مثبت غیرعادی را نشان داده اند

در زیر برخی از عواملی که ممکن است باعث این همسویی جدید شده می شود آورده شده است:

۱. قیمت گذاری محرک های مالی و کسری بودجه توسط بازار

دولت ترامپ در مورد دور جدیدی از کاهش مالیات شرکت ها، هزینه های زیرساختی و بودجه دفاعی گسترده مبارزه کرد. سرمایه گذاران با پیش بینی کسری بودجه بیشتر به سرعت با فروش اوراق بدهی دولتی آمریکا، نرخ بازده این اوراق را به صورت صعودی قیمت گذاری کرده اند. افزایش نرخ های بازده اگر از حد معینی عبور کرده و به نوعی ناشی از فشار سنگین فروش بدهی دولتی یک کشور باشد، عملاً نوعی بی اعتمادی به سلامت نظام مالی آن کشور را به نمایش گذاشته و منجر به افت ارزش ارز ملی کشور یادشده در بازار FX می شود که مورد مشابهی را برای بریتانیا و پوند در سپتامبر ۲۰۲۲ شاهد بودیم. از سوی دیگر، این مسئله منجر به افزایش هزینه های مالی شرکت ها و بنگاه های اقتصادی می شود چرا که وقتی نرخ بازده اوراق بدهی دولتی - که امن ترین دارایی قلمداد می شده - رشد کند، نرخ بازده اوراق بدهی شرکتی در آن کشور نیز افزایش می یابد و این به معنای افزایش بار هزینه تامین مالی روی دوش شرکت های آمریکایی است که افت ارزشگذاری آنها در بازار سهام را در پی دارد



۲. چشم انداز بازگشت و درآمد شرکت های خارج از کشور

طبق گزارش ها، تجدید و تشدید مشوق ها برای بازگشت شرکت ها - با الگوبرداری از قانون کاهش مالیات و مشاغل در سال ۲۰۱۷ - شرکت های چند ملیتی را تشویق کرده است تا پول نقد خود را در خارج از کشور بازگردانند. شرکت هایی مانند اپل، مایکروسافت و بوئینگ بخش قابل توجهی از DJIA و بازار گسترده تر ایالات متحده را تشکیل می دهند و افزایش بازگشت به کشور، ترازنامه آنها را افزایش داده است. در عین حال، سرمایه گذاران خارجی که سود خود را به دلار تبدیل می کنند، قدرت دلار را تقویت خواهند کرد که این موضوع هم در راستای همسویی و همبستگی میان داوجونز با شاخص دلار عمل می کند

۳. تنشهای تجاری و اثرات مخرب آن روی سهام و دلار

دستور کار تجاری حمایت گرایانهی ترامپ، از جمله تعرفه های احتمالی بر واردات، می تواند زنجیره های تأمین جهانی را مختل کند، به سود شرکت ها آسیب برساند و در نهایت بر شاخص داو جونز تأثیر منفی بگذارد. دلار قوی تر هم اگرچه در ابتدا نشانه ای از اعتماد بوده است، اما با کاهش رقابت پذیری صادرات ایالات متحده، این فشارها را تشدید می کند و به طور بالقوه منجر به کندی فعالیت اقتصادی می شود که منجر به فشار نزولی روی دلار هم خواهد شد چرا که فدرال رزرو را مجبور به اتخاذ سیاست های جدید تسهیلی خواهد کرد

۴. احتمال دخالت ترامپ در سیاست گذاری فدرال رزرو

انتقادهای گزنده ترامپ از جرومی پاول رییس فدرال رزرو نیز باعث این بدگمانی شده که ترامپ به دنبال دخالت ورزی فعالانه در تعیین سیاست های فدرال رزرو است. از آنجا که استقلال نهاد سیاستگذاری پولی از دولت به عنوان سیاستگذار مالی یکی از اصول مسلم انضباط و سلامت نظام های مالی است، این نوع رویکرد ترامپ به معنی وجود یک ریسک بالقوه برای اقتصاد و نظام مالی آمریکا محسوب شده و نگرانی های زیادی را میان ناظران بازار ایجاد کرده است. از این رو شاهد هستیم که شاخص دلار نیز مانند شاخص داوجونز در هفته های اخیر زیر فشار نزولی قرار داشته و مداوماً کف های پایین تری به ثبت رسانده است

نتیجه گیری

به طور خلاصه، به نظر می رسد ترکیبی قدرتمند از تسهیل مالی و پولی پیش بینی شده، تغییر انتظارات سیاست نرخ بهره، جریان های نقدی شرکت ها و پویایی های ریسک مربوط به جنگ های تجاری، حرکت هماهنگ در داوجونز و دلار را هماهنگ کرده است. در حالی که این همسویی رابطه معکوس سنتی بین سهام و دلار را به چالش می کشد، نشان می دهد که چگونه اطمینان سیاست - و وعده بازده بالاتر در دارایی های ایالات متحده - می تواند این دو بازار غالباً ناهمسو را در یک جهت به حرکت وادارد.

به نظر می رسد در کوتاه مدت و تا حل بحران روابط تجاری و جنگ تعرفه ها، این همبستگی مستقیم میان شاخص دلار با شاخص داوجونز حفظ بشود

افزایش تولید نفت برای خوش آمدگویی به ترامپ!



در اقدامی جسورانه، اوپک+ موافقت کرد که تولید نفت را در ماه ژوئن به میزان ۴۱۱۰۰۰ بشکه در روز افزایش دهد که دومین ماه متوالی افزایش سریع تولید است. این تصمیم که در ۳ مه ۲۰۲۵ اعلام شد، به دنبال افزایش مشابهی در ماه مه صورت گرفت و قیمت نفت خام را به پایین ترین سطح چهار سال گذشته رسانده است. افزایش غیرمنتظره عرضه، به رهبری اعضای کلیدی عربستان سعودی و روسیه، به طور گسترده ای به عنوان یک ژست استراتژیک برای همسویی با درخواست های دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده برای کاهش قیمت نفت، به ویژه در حالی که او برای دیدار از خاورمیانه در اواخر ماه مه آماده می شود، تلقی می شود و خصوصاً همسویی کشورهای نفت خیز عربی با سیاست های کلان ترامپ را نشان می دهد.

تصمیم اوپک+ در بحبوحه پویایی پیچیده بازار اتخاذ می شود. علیرغم کاهش قیمت ها و پیش بینی تقاضای ضعیف تر جهانی، این گروه برای توجیه این افزایش به "اصول بازار سالم" اشاره کرد. با این حال، تحلیلگران می گویند که این حرکت کمتر به خوش بینی بازار مربوط می شود و بیشتر در مورد سیاست داخلی و سیگنال های ژئوپلیتیکی است.

به نظر می رسد عربستان سعودی که از تولید مازاد از سوی کشورهایی مانند عراق و قزاقستان ناامید شده است، از افزایش عرضه برای اجرای رعایت سهمیه استفاده می کند و به طور موثر کشورهای ناسازگار را از طریق قیمت های پایین تر «مجازات» می کند. این استراتژی با درخواست های مکرر ترامپ برای نفت ارزان تر همسو است، که به گفته او می تواند بودجه روسیه برای درگیری اوکراین را تضعیف کند و هزینه بنزین ایالات متحده را کاهش داده و نهایتاً با تعدیل انتظارات تورمی، نرخ های بازده اوراق خزانه داری آمریکا را تنزل داده و از فشار هزینه های مالی دولت فدرال این کشور بشدت بکاهد.

سعودی، که متعهد به سرمایه گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری در ایالات متحده شده است، ممکن است کاهش قیمت نفت را راهی برای تقویت روابط با دولت ترامپ ببیند. این اقدام همچنین اهرم فشاری را برای ترامپ فراهم می کند تا تحریم های شدیدتری را علیه ایران، یکی دیگر از اعضای اوپک، بدون تشدید عرضه جهانی نفت اعمال کند، زیرا ۴۱۱ هزار بشکه اضافی در روز به جبران اختلالات احتمالی کمک می کند.

اما باید در نظر داشت که در حالی که اوپک+ انعطاف پذیری خود را برای تنظیم برنامه ها در نشست اول ژوئن خود حفظ می کند، مسیر فعلی خطر کاهش بیشتر قیمت ها را به همراه دارد و اقتصادهای وابسته به نفت و تولیدکنندگان شیل ایالات متحده را به چالش می کشد. در حال حاضر، افزایش تولید اوپک+ هم به عنوان یک اقدام انضباطی و هم به عنوان یک اشاره دیپلماتیک به ترامپ عمل می کند و بازارهای جهانی نفت را در مسیر نزول بیشتر قرار می دهد.

وقتی بزرگان بازارهای مالی فقط برای یک روز، زیر یک سقف جمع می شن...

سمینار در مسیر روشننگری بازارهای مالی، فرصتی استثنایی برای شما تا در **هتل عباسی اصفهان**، با جدیدترین استراتژی ها و تحلیل های بازارهای مالی آشنا شوید.

- ۴ ساعت آموزش تخصصی توسط برترین اساتید
- هدیه ویژه به ارزش ۱ میلیون تومان از طرف بروکر معتبر WmMarket
- پذیرایی شام مجلل در فضایی لوکس و بی نظیر
- فرصتی عالی برای شبکه سازی با معامله گران و سرمایه گذاران حرفه ای

این به سمینار معمولی نیست...
این یک گردهمایی VIP برای حرفه ای ها است.

برای ثبت نام پیام دهید.

۰۹۹۲۸۰۰۶۰۰۲

@CWedu

سخنرانان



نیما آزادی



علی شریف آزاده



امین طاهرزاده



دکتر پیام نیک کام



به قلم: دکتر پیام نیک کام

طی چند وقت اخیر سوالات بسیاری در مورد تفاوت GDP و PPP در سمینارها و برنامه‌تی وی از طرف همراهان مجوعه سیکلیکال از بنده شده بود. بنابراین ترجیح دادیم در این مقاله به تفاوتها و مزیت و معایب این دو پرداخته و مپالهای عینی از دو کشور مختلف ارائه دهیم:

برای درک بهتر برابری قدرت خرید (PPP)، در ادامه چند مثال کاربردی و واقعی ارائه می‌شود که نشان‌دهنده نحوه استفاده و اهمیت PPP در مقایسه اقتصادها و استاندارد زندگی است

تفاوت بین تولید ناخالص داخلی (GDP) و برابری قدرت خرید (PPP) در روش محاسبه و هدف آنها است:

۱. تولید ناخالص داخلی (GDP):

- ارزش کل کالاها و خدمات تولیدشده در یک کشور طی یک دوره زمانی مشخص را اندازه‌گیری می‌کند.
- معمولاً با استفاده از قیمت‌های جاری بازار (GDP اسمی) یا قیمت‌های ثابت (GDP واقعی) برای حذف اثر تورم محاسبه می‌شود.
- برای مقایسه اقتصاد کشورها از نرخ‌های رسمی ارز استفاده می‌کند، که ممکن است هزینه واقعی زندگی را به‌درستی نشان ندهد.
- مثال: اگر GDP اسمی ایران ۵۰۰ میلیارد دلار باشد، این عدد ارزش تولیدات را بر اساس قیمت‌های بازار و نرخ ارز نشان می‌دهد.

۲. برابری قدرت خرید (PPP):

- ارزش تولیدات و خدمات یک کشور را با در نظر گرفتن قدرت خرید پول در آن کشور محاسبه می‌کند.
- به جای نرخ ارز، از هزینه‌های واقعی زندگی (مثل قیمت غذا، مسکن و...) برای مقایسه اقتصادها استفاده می‌کند.
- نشان‌دهنده این است که با درآمد یکسان در کشورهای مختلف چه مقدار کالا و خدمات می‌توان خرید.

مثال: اگرچه GDP اسمی ایران کمتر از یک کشور توسعه‌یافته باشد، PPP ممکن است نشان دهد که قدرت خرید مردم در ایران برای کالاهای محلی بالاتر است

خلاصه:

- GDP برای اندازه‌گیری حجم اقتصاد و مقایسه مستقیم اقتصادها بر اساس نرخ ارز مناسب است.
- PPP برای مقایسه استاندارد زندگی و قدرت خرید بین کشورها دقیق‌تر است، زیرا تفاوت‌های هزینه زندگی را در نظر می‌گیرد

۱. مقایسه هزینه یک وعده غذایی:

- فرض کنید یک وعده غذایی همبرگر در آمریکا ۱۰ دلار هزینه دارد، اما همان وعده غذایی با کیفیت مشابه در ایران ۱۰۰,۰۰۰ تومان (تقریباً ۲ دلار با نرخ ارز بازار)
- اگر فقط از GDP اسمی و نرخ ارز استفاده کنیم، به نظر می‌رسد اقتصاد آمریکا بسیار قوی‌تر است. اما با PPP، مشخص می‌شود که قدرت خرید ۲ دلار در ایران برای خرید غذا معادل ۱۰ دلار در آمریکا است، زیرا هزینه زندگی در ایران پایین‌تر است

۲. مقایسه درآمد و قدرت خرید:

- متوسط درآمد ماهانه یک کارمند در هند ممکن است ۳۰۰ دلار باشد، در حالی که در آلمان ۳,۰۰۰ دلار است. با نرخ ارز، به نظر می‌رسد کارمند آلمانی ۱۰ برابر ثروتمندتر است
- اما با PPP، اگر هزینه یک سبد کالای مشابه (مثل غذا، اجاره، حمل‌ونقل) در هند ۵/۱ آلمان باشد، درآمد ۳۰۰ دلاری در هند ممکن است قدرت خریدی معادل ۱,۵۰۰ دلار در آلمان داشته باشد. این نشان می‌دهد شکاف واقعی استاندارد زندگی کمتر از آن چیزی است که GDP اسمی نشان می‌دهد

۳. مقایسه GDP کشورها:

- در سال ۲۰۲۳، GDP اسمی چین حدود ۱۸ تریلیون دلار و آمریکا حدود ۲۵ تریلیون دلار بود. با نرخ ارز، اقتصاد آمریکا بزرگ‌تر به نظر می‌رسد
- اما با PPP، چون هزینه‌های زندگی در چین پایین‌تر است، GDP چین به حدود ۳۰ تریلیون دلار (بر اساس PPP) می‌رسد، که از آمریکا پیشی می‌گیرد. این نشان می‌دهد اقتصاد چین از نظر حجم تولید و قدرت خرید داخلی بزرگ‌تر است

۴. اجاره مسکن:

- اجاره یک آپارتمان یک‌خوابه در مرکز تهران ممکن است ۳۰۰ دلار در ماه باشد، در حالی که در نیویورک ۳,۰۰۰ دلار است
- با PPP، مشخص می‌شود که ۳۰۰ دلار در تهران قدرت خریدی مشابه ۳,۰۰۰ دلار در نیویورک برای اجاره مسکن دارد، زیرا هزینه‌های زندگی در ایران به مراتب پایین‌تر است

۵. مقایسه قیمت تکنولوژی:

- یک گوشی هوشمند در ژاپن ممکن است ۸۰۰ دلار قیمت داشته باشد، اما همان گوشی در هند ۶۰۰ دلار فروخته شود
- با PPP، اگر هزینه‌های زندگی در هند نصف ژاپن باشد، ۶۰۰ دلار در هند معادل ۱,۲۰۰ دلار در ژاپن است. این نشان می‌دهد که خرید گوشی در هند برای مصرف‌کننده هندی گران‌تر از ژاپن است، حتی اگر قیمت اسمی آن کمتر باشد

چرا PPP مهم است؟

- PPP به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از استاندارد زندگی، هزینه‌های واقعی، و قدرت خرید در کشورهای مختلف داشته باشیم
- برای سیاست‌گذاری، مقایسه فقر، یا برنامه‌ریزی اقتصادی، PPP دقیق‌تر از GDP اسمی است، زیرا تفاوت‌های قیمتی بین کشورها را در نظر می‌گیرد
- برای بررسی اقتصاد یک کشور، انتخاب بین GDP (تولید ناخالص داخلی) و

PPP (برابری قدرت خرید) به هدف تحلیل بستگی دارد. هر کدام اطلاعات متفاوتی ارائه می‌دهند و برای پاسخ به سؤالات مختلف مناسب‌اند. در ادامه توضیح می‌دهم که کدام معیار برای چه هدفی بهتر است

۱. استفاده از GDP: GDP (چه اسمی و چه واقعی) برای این موارد مناسب‌تر است

- اندازه‌گیری حجم کل اقتصاد در سطح جهانی

- اگر می‌خواهید بدانید اقتصاد یک کشور در مقایسه با کشورهای دیگر از نظر ارزش تولیدات در بازار جهانی چقدر بزرگ است، GDP اسمی (بر اساس نرخ ارز) مناسب است
- مثال: برای مقایسه قدرت اقتصادی آمریکا (۲۵ تریلیون دلار) با چین (۱۸ تریلیون دلار) در تجارت جهانی، GDP اسمی معیار بهتری است
- تحلیل رشد اقتصادی در طول زمان:
- GDP واقعی (با حذف اثر تورم) برای بررسی رشد اقتصادی یک کشور در دوره‌های مختلف مناسب است
- مثال: آیا اقتصاد ایران بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ رشد کرده؟ GDP واقعی این را نشان می‌دهد
- ارزیابی توانایی مالی دولت یا تجارت بین‌المللی
- GDP اسمی نشان‌دهنده درآمدهای مالیاتی بالقوه، توانایی بازپرداخت بدهی‌های خارجی، یا قدرت خرید در بازارهای جهانی است
- مثال: برای بررسی توانایی ایران

در خرید تجهیزات نظامی یا پرداخت بدهی‌های خارجی، GDP اسمی مهم است

محدودیت GDP:

- GDP تفاوت‌های هزینه زندگی بین کشورها را در نظر نمی‌گیرد. مثلاً، ممکن است GDP اسمی یک کشور کوچک به نظر برسد، اما قدرت خرید مردم آن بالا باشد

۲. استفاده از PPP:

- PPP برای این موارد مناسب‌تر است:
- مقایسه استاندارد زندگی بین کشورها
 - PPP نشان می‌دهد که با درآمد یکسان در کشورهای مختلف چه مقدار کالا و خدمات می‌توان خرید. این برای مقایسه سطح رفاه مردم مفید است
 - مثال: اگر بخواهید بدانید زندگی در ایران در مقایسه با ترکیه از نظر قدرت خرید (مثل غذا، مسکن، حمل‌ونقل) چگونه است، PPP معیار بهتری است
 - ارزیابی قدرت خرید داخلی:
 - PPP نشان‌دهنده ارزش واقعی تولیدات و خدمات در داخل یک کشور است، با توجه به هزینه‌های محلی
 - مثال: GDP بر اساس PPP چین از آمریکا پیشی می‌گیرد، چون هزینه‌های زندگی در چین پایین‌تر است و تولیدات داخلی ارزش بیشتری دارند

• تحلیل فقر و نابرابری:

- برای بررسی اینکه چه تعداد از مردم یک کشور زیر خط فقر جهانی (مثلاً ۲,۱۵ دلار در روز بر اساس PPP) زندگی می‌کنند، PPP دقیق‌تر است
- مثال: PPP می‌تواند نشان دهد که فقر در هند نسبت به GDP اسمی کمتر است، زیرا قدرت خرید مردم برای کالاهای محلی بالاتر است محدودیت PPP:
- PPP برای مقایسه تجارت جهانی یا توانایی مالی در بازارهای بین‌المللی مناسب نیست، زیرا بر اساس نرخ ارز محاسبه نمی‌شود
- داده‌های PPP ممکن است به دلیل تفاوت در روش‌های جمع‌آوری اطلاعات و تخمین‌ها کمتر دقیق باشند
- جمع‌بندی: کدام بهتر است؟
- اگر هدف شما بررسی قدرت

اقتصادی در سطح جهانی، تجارت، یا توانایی مالی دولت است، GDP اسمی یا واقعی معیار بهتری است

- اگر هدف شما مقایسه استاندارد زندگی، قدرت خرید، یا ارزش واقعی تولیدات داخلی است، PPP مناسب‌تر است
- ترکیب هر دو: برای تحلیل جامع، بهتر است هر دو معیار را در نظر بگیرید. مثلاً:
- برای ایران: GDP اسمی نشان می‌دهد جایگاه ایران در اقتصاد جهانی کجاست (مثلاً رتبه ۲۰ تا ۲۵ جهانی).
- اما PPP نشان می‌دهد که قدرت خرید داخلی مردم ایران نسبت به بسیاری از کشورهای با GDP مشابه بالاتر است

مثال برای ایران:

- GDP اسمی ایران (۲۰۲۳) حدود

۴۰۰-۵۰۰ میلیارد دلار است، که نشان‌دهنده اندازه اقتصاد در بازار جهانی است

- GDP بر اساس PPP ایران حدود ۱,۵-۲ تریلیون دلار است، که نشان می‌دهد قدرت خرید داخلی و ارزش واقعی تولیدات در ایران بسیار بالاتر از آن چیزی است که GDP اسمی نشان می‌دهد
- برای مقایسه اقتصاد آمریکا و روسیه، از دو معیار GDP اسمی و PPP (برابری قدرت خرید) استفاده می‌کنیم تا تصویر جامعی از تفاوت‌های اقتصادی، استاندارد زندگی، و قدرت خرید ارائه شود. داده‌ها بر اساس تخمین‌های سال ۲۰۲۳ و اطلاعات موجود تا آوریل ۲۰۲۵ هستند



تحلیل:

- GDP** اسمی نشان می‌دهد اقتصاد

آمریکا بیش از ۱۱ برابر بزرگ‌تر از اقتصاد روسیه است

- این معیار برای مقایسه قدرت مالی در تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری خارجی، یا توانایی خرید در بازارهای بین‌المللی مناسب است

- محدودیت: **GDP** اسمی هزینه‌های

زندگی و قدرت خرید داخلی را در نظر نمی‌گیرد

۲. مقایسه بر اساس PPP:

- آمریکا:

- GDP** بر اساس **PPP**: حدود ۲۵٫۵

تریلیون دلار (چون هزینه‌های زندگی در آمریکا نسبتاً بالا است، **PPP** تفاوت زیادی با **GDP** اسمی ندارد)

- نشان‌دهنده قدرت خرید داخلی بالا، اما هزینه‌های زندگی (مثل مسکن، مراقبت‌های بهداشتی) گران است

- مثال: یک سبد کالای استاندارد (غذا، مسکن، حمل‌ونقل) در آمریکا ممکن

است ۲٫۰۰۰ دلار در ماه هزینه داشته باشد

- روسیه:**
- GDP** بر اساس **PPP**: حدود ۵٫۳

تریلیون دلار (رتبه ۵ یا ۶ جهانی)

- به دلیل هزینه‌های پایین‌تر زندگی

در روسیه (مثل مسکن، غذا، خدمات)،

قدرت خرید داخلی بسیار بالاتر از آن چیزی است که **GDP** اسمی نشان می‌دهد

- مثال: همان سبد کالای استاندارد در روسیه ممکن است ۸۰۰ دلار هزینه داشته باشد، یعنی پول در روسیه ارزش بیشتری برای خرید کالاهای داخلی دارد

تحلیل:

- PPP** نشان می‌دهد شکاف اقتصادی

بین آمریکا و روسیه کمتر از **GDP** اسمی است (حدود ۵ برابر به جای ۱۱ برابر)

- این معیار برای مقایسه استاندارد زندگی و قدرت خرید داخلی مناسب‌تر است. مردم روسیه با درآمد کمتر (به دلار) می‌توانند کالاها و خدمات مشابهی

با هزینه کمتر خریداری کنند

- محدودیت: **PPP** برای مقایسه تجارت جهانی یا توانایی مالی در سطح بین‌المللی دقیق نیست
- ۳. مقایسه استاندارد زندگی:

- آمریکا:**
- سرانه **GDP** اسمی: حدود ۷۶٫۰۰۰

دلار (از بالاترین‌ها در جهان)

- سرانه **GDP** بر اساس **PPP**: حدود ۷۶٫۰۰۰ دلار
- استاندارد زندگی بالا، اما نابرابری

درآمدی زیاد است. هزینه‌های بالای مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، و مسکن می‌تواند فشار زیادی به طبقه متوسط وارد کند

- مثال: یک کارمند متوسط آمریکایی ممکن است ۴٫۰۰۰ دلار در ماه درآمد داشته باشد، اما هزینه‌های زندگی (اجاره، بیمه) بخش زیادی از آن را مصرف می‌کند

- روسیه:**

- سرانه **GDP** اسمی: حدود ۱۵٫۰۰۰ دلار

- سرانه **GDP** بر اساس **PPP**: حدود

- استاندارد زندگی پایین‌تر از آمریکا، اما قدرت خرید داخلی به دلیل هزینه‌های

کمتر (مثل مسکن و غذا) بالاتر از آن چیزی است که درآمد اسمی نشان می‌دهد

- مثال:** یک کارمند متوسط روس

ممکن است ۸۰۰ دلار در ماه درآمد داشته باشد، اما این پول در روسیه برای

خرید کالاهای محلی ارزش بیشتری دارد

- ۴. مثال‌های کاربردی:**
- هزینه یک وعده غذایی:

- در آمریکا، یک وعده فست‌فود (مثل برگر) حدود ۱۰ دلار است

- در روسیه، همان وعده ممکن است ۴

دلار باشد. **PPP** نشان می‌دهد که ۴ دلار در روسیه معادل ۱۰ دلار در آمریکا از نظر قدرت خرید است

- اجاره مسکن:**

- اجاره آپارتمان یک‌خوابه در مرکز نیویورک: حدود ۳٫۰۰۰ دلار در ماه.

- اجاره مشابه در مسکو: حدود ۶۰۰ دلار. **PPP** نشان می‌دهد که هزینه زندگی در روسیه بسیار پایین‌تر است.

تکنولوژی:

- یک گوشی هوشمند (مثل آیفون) در آمریکا ۱٫۰۰۰ دلار و در روسیه ۱٫۲۰۰ دلار است. اما با **PPP**، خرید این گوشی برای روس‌ها

گران‌تر احساس می‌شود، چون درآمد متوسط آن‌ها کمتر است

۵. کدام معیار برای مقایسه بهتر است؟

- اگر هدف مقایسه قدرت اقتصادی جهانی باشد (مثل تجارت، سرمایه‌گذاری، یا بودجه نظامی): **GDP** اسمی مناسب‌تر است.

آمریکا به وضوح اقتصاد غالب است و روسیه در مقایسه بسیار کوچک‌تر است.

- اگر هدف مقایسه استاندارد زندگی یا قدرت خرید داخلی باشد: **PPP** بهتر است.

روسیه از نظر قدرت خرید داخلی و ارزش واقعی تولیدات وضعیت بهتری نسبت به GDP اسمی دارد، اما همچنان از آمریکا عقب‌تر است.

تحلیل جامع:

- برای درک کامل، هر دو معیار را در نظر بگیرید. آمریکا اقتصاد بزرگ‌تر و پیشرفته‌تری دارد، اما هزینه‌های بالای زندگی باعث

می‌شود قدرت خرید داخلی در روسیه (نسبت به درآمد) گاهی اوقات به آمریکا نزدیک‌تر باشد

۶. جمع‌بندی:

آمریکا:

- اقتصاد عظیم، قدرت مالی بالا در سطح جهانی، اما هزینه‌های زندگی گران.

- GDP** اسمی و **PPP** تقریباً برابر (۲۵٫۵ تریلیون دلار)، نشان‌دهنده هزینه‌های بالای زندگی.

روسیه:

- اقتصاد کوچکتر در مقیاس جهانی، اما قدرت خرید داخلی بالاتر از آن چیزی که **GDP** اسمی نشان می‌دهد.

- GDP** اسمی: ۲٫۲ تریلیون دلار، **PPP**: ۵٫۳ تریلیون دلار، نشان‌دهنده هزینه‌های پایین‌تر زندگی.

- شکاف: شکاف اقتصادی در **GDP** اسمی بسیار بزرگ (۱۱ برابر) است، اما در **PPP** کمتر (۵ برابر) می‌شود، که نشان‌دهنده

اهمیت هزینه‌های زندگی در تحلیل است

انتظار زیادی از بازار نداشته باش، از خودت

انتظار منطقی داشته باش! قسمت اول - بررسی

یکی از چالش‌های اصلی که در منتورینگ با اون مواجه می‌شدیم این بود که معامله‌گرها با اینکه جهت رو درست تشخیص می‌دادند و در شروع عملکرد خوبی داشتند، ولی در نهایت اون معامله به زیان ختم می‌شد و همین اتفاق، باعث جوانه زدن کلی مشکلات دیگه‌ای بود که از قبل وجود نداشتند. فراموش نکنید که در معامله‌گری یکی از مواردی که از اهمیت زیادی برخوردار است، نحوه تعریف شکست و نحوه انتخاب لغاتی است که در بیان آن استفاده می‌کنیم؛ چرا که بسیاری از شکست‌ها نه به دلیل اشتباه در تحلیل، بلکه به دلیل انتظارات غیرواقع‌بینانه از خود فرد و بازار رخ می‌دهد!

اغلب ما به شکلی به بازار نگاه می‌کنیم که انتظار آن را داریم؛ برای مثال، عموماً از این دسته از جملات استفاده می‌کنیم: تریگر ما را تایید کند یا روند مطابق انتظار ما حرکت کند و به حد سود ما برسد، بی آنکه دقت کنیم بازار مالی هیچ چیزی به ما بدهکار نیست! واقعیت امر این است که بازار نه به تحلیل ما اهمیت می‌دهد، نه به احساسات ما و نه حتی به نوع نگاه و نیاز ما؛ بلکه در عمل بازار بشدت مستقل، بی رحم و بی تفاوت است. بیا بید کمی با دقت بیشتری این موضوع را بررسی کنیم

انتظار منطقی از خودت داشته باش!

در دنیای معامله‌گری، بسیاری از زیان‌ها و شکست‌ها در معاملات نه به دلیل اشتباه در تحلیل است و نه اشتباه در اجرا و پیاده سازی، بلکه به دلیل انتظارات غیرواقع‌بینانه ای است که از خود و روند حرکتی بازار داریم؛ زیرا ما فردی هستیم که برای فعالیت در این بازار هزینه‌های زیادی کرده‌ایم و طبیعی است که از خود انتظار داشته باشیم که با استفاده از دانشی که آموخته‌ایم برای خود بازدهی مثبت خوبی مطابق با انتظارات ذهنی قبلی خود یا انتظاراتی که گفته‌های دیگران وام گرفته‌ایم، داشته باشیم.

اما آیا تا به حال به این موضوع دقت کرده‌اید که بازار را آن طور که انتظار دارید تحلیل می‌کنید یا آن طور



در عوض چیزی که واقعا در کنترل ما است، خود ما هستیم؛ یعنی تنها تصمیمات، رفتارها، نحوه مدیریت شرایط و ... در کنترل ما است و این هنر یک معامله‌گر

این تفکر ریشه در کجا دارد؟

عبارت (انتظار زیاد از بازار نداشته باش، از خودت انتظار منطقی داشته باش!) ریشه در مفاهیم عمیقی در معامله‌گری دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تنظیم انتظارات (Expectation Management) و کنترل

است که بتواند با ابزارهایی که در دست دارد، درست‌ترین و بهترین تصمیم را بگیرد، حتی اگر این تصمیم، نگرفتن پوزیشن‌های آن روز یا آن هفته باشد

درونی در برابر کنترل بیرونی (Locus of Control) اشاره کرد که به ما یادآوری می‌کند که کنترل واقعی در معامله‌گری نه بر بازار، بلکه بر خود ماست.



است و افرادی که دارای کنترل درونی هستند، باور دارند که سرنوشت و نتایجی که کسب می‌کنند وابسته به عملکرد خودشان است، عملاً انتظار خاصی از بازار ندارند و تلاش می‌کنند بهترین نسخه خودشان باشند تا به وسیله آن در بازار ضمن انجام درست‌ترین کار، سود کسب کنند. در مقابل افرادی که کنترل بیرونی دارند، تمایل دارند که موفقیت و شکست را به عوامل خارجی مانند بازار نسبت دهند. احتمالاً شبیه این جملات را شنیدید: از ۵ تا موقعیت امروز فقط تونستم یکی رو بگیرم که همون هم زیان شد ولی اون چهارتایی که نگرفتم رو چک کردم ۳ تا نش سود می‌شد! یا پوزیشنم داخل سود بود ولی باز استاپ رو زدا و ..

در قسمت بعدی به بررسی راهکارهایی برای مدیریت این انتظارات و جلوگیری از آسیب‌های ناشی از آن خواهیم پرداخت

از نظر روانشناسی شناختی و رفتاری، داشتن انتظارات غیرواقعی یکی از دلایل مهم اضطراب، ناامیدی و شکست است، حال اگر این را به یک معامله‌گر بسط دهیم که انتظار دارد بازار دقیقاً مطابق انتظار او رفتار کند، این معامله‌گر به شدت در نوسانات بازار شکننده خواهد بود؛ زیرا یک فاکتور اساسی برای معامله‌گری، یعنی آرامش را ندارد. وقتی آرامش از معامله‌گر گرفته شود، عملاً او توانایی مناسب و صلاحیت کافی را جهت کنترل اعمال و تصمیمات خود نخواهد داشت و اگر تصمیمی بگیرد، حسرت تصمیمات آن لحظه تا همیشه با او خواهد ماند. در مقابل، معامله‌گری که از خود انتظار معقول دارد، در هر شرایطی تا حد ممکن با ثبات و منطقی عمل می‌کند از نظر کنترل درونی در برابر کنترل بیرونی نیز شرایط تا حد زیادی مشابه



مطابق انتظار نقره مسیر صعودی خود را به خوبی حفظ کرده و نزدیک سقف قبلی خود شده
انتظار می‌رود پس از تکمیل ظرف زمان و قیمت نقره به سمت سقف خود حرکت کند و با عبور از این محدوده، هدف ۳۷ دلاری خود را در دسترس داشته باشد



تحلیلگر: امیر حسین آقاپور

انس جهانی طلا پس از عبور از ۳۴۴۶ و ثبت ath جدید در مسیر اصلاح قرار گرفته
بنظر می‌رسد این فلز محبوب کماکان مسیر صعودی خود را حفظ کند و پس از اصلاح قیمتی در حوالی قیمتی ۳۱۶۰ به مسیر خود باز گردد
در صورت این اتفاق طلا پتانسیل رسیدن به حوالی ۳۵۴۰ را دارد

ازی به خوبی از پس مقاومت مینور خود برآمد...
دلار استرالیا به دلار آمریکا پس از عبور موفق از محدوده ۰.۶۳۸ وارد اصلاح زمانی شد
این اصلاح در قالب نوعی اصلاح جاری تلقی میشود و این بدان معناست که ازی خیلی میل به اصلاح قیمتی ندارد
مسیر برای دلار استرالیا صعودیست و اهداف ۰.۶۶۸ در گام اول و ۰.۶۸۸ در گام بعدی در دسترس است

مستند	آخرین بروزرسانی	وزن کل (درصد)	هدف	وزن پله (درصد)	سوم (درصد)	قیمت مناسب پله سوم (تومان)	۳	۴۰۵
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۲۸	۱۵	۴۴۵	۷	۲۰۰	۵	۳۵	۲۸۰
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۲۷	۱۵	۴۹۵	۷	۲۵۰	۵	۳۵	۲۸۰
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۲۴	۱۵	۵۷۰	۷	۲۰۰	۵	۳۵	۲۸۰
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۲۴	۱۵	۵۷۰	۷	۲۳۵	۵	۳۱۵	۳۶۰
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۲۳	۱۵	۴۵۰۰	۷	۱۹۰۰	۵	۲۴۰۵	۲۸۹۰
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۲۳	۱۵	۷۱۵۰۰	۷	۲۲۵۰۰	۵	۳۰۸۰۰	۴۱۶۰۰
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۲۲	۱۵	۸۵۰	۷	۴۵۰	۵	۵۳۰	۵۸۵
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۲۰	۱۵	۵۷۵	۷	۲۶۰	۵	۳۲۳	۳۹۲
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۲۰	۱۵	۴۵۰	۷	۲۲۵	۵	۲۶۵	۳۲۰
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۲۰	۱۵	۳۲۰	۷	۱۰۰	۵	۱۳۰	۱۶۵
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۱۷	۱۵	۲۱۳	۷	۱۰۰	۵	۱۴۳	۱۶۳
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۱۶	۱۵	۵۳۰	۷	۱۰۰	۵	۲۴۵	۲۸۵
مشاهده	۱۴۰۴/۰۲/۱۵	۱۵	۵۵۰	۷	۲۶۵	۵	۳۵۰	۴۰۰
							۱۱۰	۱۶۵

رونمایی از سبد پیشنهادی تحلیل اپ

راهکاری هوشمند برای انتخاب سبد سرمایه‌گذاری در بورس

قابل توجه فعالان بازار بورس ایران:

- با استفاده از بخش «سبد پیشنهادی» در تحلیل‌اپ، دیگر نیازی به صرف ساعت‌ها برای بررسی داده‌ها ندارید.
- ترکیب بهینه دارایی‌ها و تحلیل‌های دقیق، همه در یک ابزار حرفه‌ای!



TAHLILAPP.COM



کیبل نیز به خوبی خود را در مسیر صعودی حفظ کرده

شرایط برای کراس های مقابل دلار همچنان مساعد خواهد بود و انتظار میرسد پوند پس از اصلاحی موقت به سمت سقف قبلی حرکت کند.

از اهداف این کراس محبوب میتوان به ۱,۳۷۴ در گام اول و ۱,۴۲۳ در گام بعدی اشاره کرد



دلار کانادا به ین ژاپن به دنبال بازیابی مسیر نزولی در اهدافی بالاتر

شاهد شکسته شدن خط تریگر نزولی در این کراس هستیم که نوید دهنده فرصت تنفسی احتمالا موقت برای این جفت ارز هست

ظاهرا موج B ما میل به تکمیل در نواحی بالاتری دارد و هنوز وارد موج C نشدیم

این مسیر صعودی تا حوالی ۱۱۱ واحد میتواند ادامه داشته باشد.



شاهد تقاضای خوب برای پوند به ین ژاپن در

حوالی قیمتی ۱۸۴,۶ بودیم

شکست ۱۸۰,۰۸ میتوانست تریگر خوبی برای

ادامه مسیر نزولی باشد که محقق نشد

در حال حاضر میتوان انتظار داشت این کراس

در ادامه مسیر صعودی خود به اهداف ۱۹۸در

گام اول و ۱۹۹,۷ در گام بعدی دست یابد



یورو به دلار کانادا مطابق تحلیل قبل به خوبی در

مسیر اصلاحی قرار گرفت

این اصلاح هنوز به اتمام نرسیده و پتانسیل

پیچیده شدن را نیز دارد

همچنان مسیر اصلی ما صعودیست ولی برای

بازگشت به مسیر صعود باید شاهد عبور موفق

قیمت از ۱,۵۷۲ به بالا باشیم

در صورت عبور موفق از این محدوده قیمت

پتانسیل رسیدن به اهداف ۱,۵۹ در گام اول و

۱,۶۱ را در گام بعدی خواهد داشت



شاخص دکس آلمان پس از تاچ هدف ۲۳,۴۳ وارد اصلاح قیمتی شده و پس از رسیدن به محدوده ۱۸,۹۱ به خوبی به

مسیر صعودی خود برگشته

انتظار می‌رود این مسیر صعودی کماکان ادامه داشته باشد و در یک مسیر منطقی و بدور از هیجان ، شاخص دکس به

سمت هدف ۲۵,۳۱۴ حرکت کند



تحلیلگر: محمد جواد آقازاده

XAGUSD هفتگی

نقره در مسیر صعود خود موج ۴ اصلاحی را تکمیل نموده و در حال حاضر لگ صعودی جدیدی را آغاز کرده است، اهداف قیمتی این صعود باکس قرمز رنگ در حوالی قیمتی ۳۹ تا ۴۲ دلار می‌باشد، از منظر زمانی نیز انتظار می‌رود تا اواخر جولای امسال مسیر صعودی ادامه داشته باشد



XAUUSD هفتگی



اونس طلای جهانی در تایم فریم هفتگی نشانه‌های پایین موج ۳ سبز رنگ را پسر از یک رالی پر قدرت به نمایش گذاشته است، در تحلیل‌های گذشته پیشنهاد بر بستن معاملات خرید بوده و با گذشت زمان قیمت اصلاح خوبی کرده است، در حال حاضر به دنبال فرصت‌های بهینه

برای خرید طلا هستیم، در صورت ورود قیمت به باکس قرمز رنگ با شتاب مناسب، خرید طلا سرمایه‌گذاری مناسبی به شمار می‌رود محدوده مد نظر حوالی قیمتی ۲۸۵۴ دلار می‌باشد.

XAGUSD روزانه

در تایم روزانه موضوع شک برانگیزی به چشم می‌خورد، شتاب ریزش C از موج ۴؛ با این وجود با توجه به ریز موج‌های موج صعودی آخر، پایان موج ۴ اعلام شده است که در این صورت ما به دنبال خرید اصلاح‌های نقره خواهیم بود، در صورت شکست خط قرمز رنگ در حوالی قیمتی ۲۷.۷ تحلیل ما بر مبنای صعود نقره نیازمند به بازبینی می‌باشد، اهداف قیمتی صعود ۳۶.۷ و ۴۲ دلار است



XAUUSD روزانه



در تایم فریم روزانه با بررسی ریزموج‌ها، می‌توان یک سقف مینور برای طلا متصور بود، این در صورتی است که در حال حاضر طلا در محدوده‌های ارزنده خرید قرار ندارد، اگر فرض ما مبتنی بر صعود مینور طلا صحیح باشد، عدم حضور در این بازار برای چند هفته آینده بهترین انتخاب در دسترس خواهد بود

EURUSD روزانه

تحلیل فوق بیانگر اعتقاد ما بر پایان موج ۴ سبز رنگ بوده و این حوالی قیمتی را مناطق ارزنده خرید یورو به دلار می‌داند، در صورت عبور قدرتمند قیمت از خط قرمز رنگ ۱.۰۸۹۲ می‌توان ادعا کرد لگ صعود یورو در مقابل دلار به اتمام رسیده است



WHEAT روزانه

موج B از ABC ای رنگ با رفتار کانالیزه، تاکیدی بر اصلاحی بودن نزول دارد، با توجه به ریز موج‌های موج C خرید گندم از حوالی قیمتی حال حاضر تا کف موج C قرمز رنگ با هدف صعودی باکس قرمز سرمایه‌گذاری ارزنده‌ای خواهد بود



WTI روزانه

نفت در تایم روزانه پس از شکست مثلث اصلاحی به پایین، لگ نزولی جدیدی آغاز کرده است، پایان موج ۴ در حوالی قیمتی ۶۵.۴۰ در نظر گرفته شده، علاوه بر این ابرباند چنگال رسم شده تقریب قیمتی- زمانی پایان موج ۴ را



PM هفتگی

سهام فیلیپ موریس با به پایان رساندن ۵ موجی سبز رنگ وارد فاز اصلاحی شده است، و همانطور که در موج شماری

مشخص است، اصلاح‌های این سهم تحت عنوان موج ۴ خریدنی می‌باشد، درواقع حوالی قیمتی بین ۱۳۱ تا ۱۴۵ دلار مناطق ارزنده خرید این سهم خواهد بود، در نظر داشته باشید تحلیل فوق به عنوان یک تحلیل بلند مدتی، ممکن است مدت زیادی حساب‌های معاملاتی کوچک را تحت فشار قرار دهد



نمایش می‌دهد، حد ضرر تحلیلی این ۵ موجی نزولی کف موج ۱ می‌باشد، در نظر داشته باشید با عدم شکست قطعی خط قرمز رنگ نمی‌توان پایان نزول نفت را اعلام کرد

USDخ هفتگی



تحلیل شاخص دلار با اهداف قیمتی پیشین
برای نزولی به صورت زیر ادامه دارد
شاخص در موج ۳ OR C نزولی می‌باشد،
باتوجه به شتاب ریزش خرید شاخص
در این حوالی معامله ارزنده‌ای به شمار
نمی‌رود، اما معامله‌گران کم ریسک
می‌توانند به تسویه‌ی خریدها خود در
ارزهای مقابل دلار بپردازند، در صورت ورود
قیمت به باکس قرمز رنگ می‌توان به فکر
خریدهای کوتاه مدتی در این نماد بود

PM روزانه



همانطور که گفته شد اصلاح‌های این
سهم خریدنی بوده و نمی‌توان به
طور دقیق لول را برای خرید مطرح
کرد، از این رو با در نظر گرفتن دائمی
سهم برای قیمت‌های زیر ۱۴۵ دلار
اهمیت دو چندان قائل می‌شویم



 CYCFX.COM

 CYCLICALWAVES

 CWEDU



جهت دریافت نسخه چاپی
درخواست خود را ثبت کنید